

آرزوی محال و آرمان گزاف

محمدابراهیم انصاری لاری
نویسنده و پژوهشگر سیاسی

درد امروز جامعه‌ما مثل همیشه آرزوهای محال است و آرمانخواهی‌های گزاف؛ نه فقدان آرمان و نبود آرزو. از همان سال‌های اول اصلاحات تا امروز هر جا اقتضا کرده، نوشته‌ام که گفته‌ام که عده‌ای از دوستان ما که بیشتر اهل نظر به‌پردازی بودند و کمتر اهل اقدام و عمل، بی‌آنکه مسئولیت و تعین مشخصی در اصلاحات داشته باشند، از همان ابتدا متوهمانه و بی‌دلیل راه و شاید خیال‌باخانه و در طلب جاه، به طرح آرزوهای محال و جعل آرمان‌های گزاف پرداختند که نتیجه آن نمایش انقلابی ویرانگر و براندازانه از اصلاحات بود. هم‌زمان، بخشی دیگر از دوستان ما که عموماً در دولت اصلاحات مسئولیت داشتند نیز، چنان محافظه کارانه و محتاطانه عمل کردند که نتیجه آن نمایش سکوت و سازشی مایوس کننده از اصلاحات بود. در این میان، کیهان نشینان و مدافعان سرسخت وضع موجود، فرصت را مغنم دانستند و به‌عنوان نیروی مکمل وارد شدند و پنهان و آشکار هر دو گروه را تقویت و تشجیع می‌کردند. دسته اول دوستان ما را کیهان نشینان، به تعمد و البته به غلط، تئورسین‌های اصلاحات لقب دادند و دسته دوم را اصلاح طلبان عاقل و منطقی می‌خواندند. برآیند رفتار نامعقول و نامتعارف این سه ضلعی که اولی تاطر ح شعار «عبور از خاتمی» پیش‌رفت دومی که در سال‌های پایانی دولت اصلاحات بایی عملی و انفعال عرصه مدیریت و اجرا را رها کرده بود و سومی که با شیطنت عملاً به قاعده اصلی آن دوضلع تبدیل شده بود؛ سبب شد تا فرصت‌های طلایی برای تحقق برنامه‌های خاتمی از دست برود و اصلاحات اساسی در کشور عقیم بماند. تلخ‌تر اینکه بعدها برخی از دوستان گروه اول، در چهره‌های تندروتر و در شمایل قهرمانان تراژیک ظاهر شدند و هر چند در افواه عامه و برخی نوشته‌ها و گفته‌های نزرگان و نخبگان دائم شجاعت و صراحت آثار می‌ورد تحسین و تقدیر قرار گرفته و می‌گیرد؛ اما در عمل هیچ پیرورو دنباله‌رویی نه در میان اصلاح طلبان و گروه‌های سیاسی‌ونه در میان مردم عادی پیدا نکرده اند و بیش از آنکه موجب فایده و منفعتی جمعی و به سود مصالح کلی ملت و کشور باشند، عاملی مؤثر برای

سرگردانی سیاست در ایران



صادق زنگنه

نویسنده و پژوهشگر سیاسی

سیاست امروز ایران، بیش از هر زمان دیگری به کلافی سردرگم می‌ماند. گویی قطب‌نمای حکمرانی در میانه‌ی طوفان‌های داخلی و خارجی، عقربه‌اش را گم کرده و هر دم به سمتی می‌چرخد. وضعیت کنونی فراتر از تعدد و یا حتی تشتت آرا است؛ رذای ما در عرصه‌ی سیاست، سرگردانی و تلوئلو خوردن یک شخص دارای آلزایمر را به‌نمایش می‌گذارد تا فردی مصمم با گام‌هایی استوار. هنوز طنین شعارهای وفاقی و همبستگی ملی پس از جنگ ۱۲ روزه، از صدا نیفتاده که تناقضات آشکار، صحنه سیاست داخلی را مخدوش می‌کند. در روزهایی که کشور بیش از هر چیز به انسجام نیاز دارد، شاهد رفتارهای دم‌دمی مزاجانه‌ی هستیم که حیرت همگان را بر می‌انگیزد. از یک‌سو، برای تحریک حس میهن دوستی و همگرایی، دست به دامان تاریخ باستان می‌شوند؛ پای شاپور ساسانی را به میدان انقلاب باز می‌کنند و نمادهای ملی را راج می‌نهند تا شاید جتری برای همبستگی باشد اما از سوی دیگر، در یک مسابقه تلویزیونی به همان نمادهای هویتی سنگ‌پیرانی می‌شود! این نوسان میان «ملی گرایی ایزاری» و «ایدئولوژی گرایی انحصاری»، نخستین نشانه‌ی این سرگردانی است. این سردرگمی تنها در حوزه‌ی نمادها نیست؛ در زمین سفت واقعیت و قانون گذاری، شکاف عمیق تر است. چهارشنبه گذشته ۱۵۵ نماینده مجلس طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه، خواستار اجرای سفت و سخت قانون حجاب شدند؛ اقدامی که

چند کلمه با وزیر فرهنگ

شهیار مشعشی

فعال رسانه

خواب آشفته‌ی کاغذ. خواب ناتمام. قرن به قرن. قیران تا ریال. ریال تا تومان. تومان تا دلار. آقای وزیر! کاغذ نیست. آقای وزیر؛ که کاغذی هست، در نبودن دیدبانی وزیر و وزرا، چه فایده، چه سود، از این هرز بازار، کاغذ زار زار؟! که کاغذ برای کدامین روزنامه‌ها، مجله‌ها؟! بر اساس روشنایی کدامین ثبت تیراها؟! شناخت کدامین حرفه‌ای‌ها، به‌حق‌ترها؟! یا شناسایی آنان که نام‌شان هست، نشان‌شان نیست، اما کاغذشان هست؟!... تک و چند نسخه‌ای از چند روزنامه و مجلاتی،

دوقطبی یا چندقطبی کردن جامعه ایرانی ونیز اختلاف و چنددستگی میان اصلاح طلبان شده‌اند. من از تفصیل و تفصیل مطلب خودداری می‌کنم. همین بس که در انتخابات سال ۱۳۸۴ اصرار بی‌وجه همین دوستان بر نامزدی چهره‌ای کاملاً سلامت اما فاقد مطلوبیت و عبور هیجانی و متعصبانه از هاشمی و کروبی، ریل حرکت کشور را به کل به انحراف کشاند و نیز در سال ۱۳۸۸ حمایت آنها از ورود ناپهنگام یکی از بزرگان به میدان انتخابات و ناگزیر شدن خاتمی به کناره گیری و... عملاً اصلاح طلبان را به بازیگرانی فعال در زمین رقیب تبدیل کرد و دیدیم که مجموعه این رفتارها، نه فقط شکست در انتخابات بلکه پس از آن تغییر فضای سیاسی کشور و انتقال به فضای امنیتی و انزوی کامل و حذف کلی اصلاح طلبان را به همراه داشت. امروز هم برخی از این چهره‌ها با تکیه بر القاب بی‌باور و عناوین بر ساخته کیهان نشینان، هراز چندگاه نظراتی شاذ و دهن پرکن ابراز می‌دارند که بله: جامعه دچار فقدان آرمان و نبود آرزو شده است... سخن در این باب فراوان است؛ اما به اجمال باید گفت نه، هرگز نه جامعه ایرانی و نه اصلاح طلبان هیچ کدام به این مشکل دچار نشده‌اند، بلکه امروز تنوع و تکثر آرزوها که ناشی از گسست نسل‌ها و تغییرات هر دم افزای جهان کنونی است؛ از یک طرف و تداوم آرزوهای محال و آرمان‌های گزاف که ناشی از دور شدن احزاب سیاسی اصلاح طلب از مردم و اسیر شدن در تحلیل‌های پشت درهای بسته و در جازدن در تخیل‌های سال‌های گذشته است و در کل نداشتن یک مانیفست شفاف و قابل فهم از سوی دیگر، سبب شده است تا مجموعه اصلاح طلبان یک طیف رنگین را فراهم آورند که متاسفانه، تفاوت رنگ‌ها و آشفتنگی و به هم ریختگی این طیف چنان است که در هیچ گوشه‌ای از آن نمی‌توان اثری از یک رنگین کمان زیبا و جذاب پیدا کرد. باین همه، به نظر می‌رسد راه پیش روی اصلاح در این کشور، بازگشت صادقانه به مردم و رویکرد خردمندانه در حکمرانی و سیاست‌ورزی است. بگذارید در فراز آخر به بیتی از مولوی اشاره کنم که گفت:

ضعف قطب از تن بود از روح تنی

ضعف در کشتی بود در نوح تنی

روح آرمانخواهی و آرزوهای بلند در این ملت که قُطب کشور است، همچنان زنده است؛ هر چند جسم و تن او به ضعف گراییده باشد. ونوح اصلاحات، خاتمی، همچنان بر صلابت و پابرجاست؛ هر چند کشتی اصلاحات آسیب دیده باشد و یا حتی به گل نشسته باشد. باید، که روح و جان ملت را و شاید، که نوح و ناخدای کشتی را دریابیم و اظهار نظرهایی از این دست را چندان بهایی ندهیم...

پیش از این با ترزم شورای عالی امنیت ملی مواجه و اجرای آن متوقف شده بود. این یعنی عالی‌ترین نهاد امنیتی کشور، خطر التهاب را درک کرده، اما نیمی از پارلمان همچنان بر طبل دیگری می‌کوبند. رئیس قوه قضائیه در شورای اداری بزد، در پاسخ به این درخواست با ادبیاتی همدلانه ظاهر می‌شود. سخن او که بر پر خورب با رستوران‌ها، کافی شاپ‌ها و شناسایی جریانات سازمان یافته تاکید دارد و صراحتاً می‌گوید «وضع موجود نباید ادامه یابد»، نشان‌دهنده یک رویکرد قهری است که زلویهی آشکاری با رویکرد گفت‌وگو محور دولت دارد. تهدید به پلمب‌های طولانی مدت و بر خورد با دست‌اندرکاران مراسم‌ها، سیگنالی است که با سیگنال ارسالی از پاستور همخوانی ندارد. چرا که رئیس جمهور پزشکیان، در سفر استانی هفته گذشته خود، گویا در پاسخ به مواضع مجلس و قوه قضا، با ادبیاتی نرم و بر خاسته از ایده وفاقی می‌گوید: «من کسی نیستم که در برابر مردم بایستم، بارها گفته‌ام اگر قرار باشد کسی مقابل مردم قرار بگیرد من در آن صف نخواهم بود، اما باید با مردم نشست، حرف زد و برای آینده تصمیم‌های درست گرفت.» به نظر می‌رسد جناح مقابل دولت که در کارنامه‌ی خود نشان داده برای زمین گیر کردن رقیب از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند، این بار زمین بازی را به حوزه‌ی حساس اجتماعی کشانده است. گویی بدون توجه به زمزمه‌های دوباره‌ی جنگ و خطرات خارجی، قصد دارند با اسم رمز «حجاب»، دولت را ضربه‌یافتی کنند. در شرایطی که اقتصاد کشور با ناپساسانی دست‌وپنجه نرم می‌کند و روابط بین الملل در لبه‌ی پرنگه ناپایداری قرار دارد، بازگشت به سیاست‌هایی که آزمون خود را در سال ۱۴۰۱ پس داده‌اند، چیزی جز بازی با آتش نیست. هر اقدامی که خشم عمومی را سرزیر کند و جامعه را دوباره دوقطبی سازد، در نهایت نه به ضرر دولت، که به ضرر کلیت ساختار سیاسی تمام خواهد شد. سیاستمداران باید بدانند که در میانه‌ی این تلاطم‌ها، مردم نظاره گر تناقضات هستند و صبر اجتماعی ظرفیتی دارد. اصرار بربروش‌های شکست خورده در زمانی که کشور نیازمند آرامش است، مصداق بارز همان سرگردانی است که اگر چاره نشود، هزینه‌های گزافی خواهد تراشید.

روی دک‌ها نمایان است؛ دک‌هایی هم هست که کارشان پنهان کردن این نمایان است؛ با احترام... کنار این زندان کاغذی، که زندان باناش، دک‌ها دارند و نه همه‌ی عزیزان این نام، روزنامه‌هایی هستند که نیستند اما هستند، روزنامه‌هایی که زندان برایشان آزادی است. کاغذ روی کاغذ، کیلو به کیلو، ترازوه‌ای شکسته از رقص پول‌های کاغذی، روزنامه‌های کاغذی... برای ارشاد، سال هاست دیگر دیر است. برای وزیر، برای وزرا اگر که بخواند اما کار سختی پیش رو نیست. تشکیلات ارشاد، سایت جار، روزنامه‌هایی که باید تعیین تکلیف شوند، روزنامه‌هایی که گروه‌ی از آنان در پستوی دک‌ها از نا کجا باید نا کجا آبادی، گرم فروش می‌شوند و گروه‌ی دیگر که انگار، در همان جار، جار می‌زند که‌ای کاغذ!‌ای کاغذ! شماره‌ای از کاغذ اما یافت‌نشنی نیست. آقای وزیر! رویتان برگردد. با دستور و حرف و کاغذ، کاغذ، کاغذ نمی‌شود. اگر به خود اعتماد دارید، خود، کارتان را به دست بگیرید و بعد خود کار خود را. شما وزیر خوبی هستید، بد تا نکنید.

میراث بنزینی دولت‌های قبل

اظهارات مقامات دولت همزمان با آغاز سه‌نرخی شدن سوخت

«صبح جمعه» با این افزایش قیمت بنزین روبه‌رو شود. جامعه می‌داند که صبح جمعه جای خود را به بماداد شنبه سپرده است.

▼ جزئیات اجرای مصوبه سه‌نرخی شدن بنزین

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت دیروز در تشریح جزئیات اجرای افزایش قیمت بنزین، تاکید کرد: «با اجرایی شدن مصوبه دولت، سهمیه بنزین خودروهای دولتی، وارداتی و منطقه آزاد حذف می‌شود. ۸۰ درصد مردم با همان بنزین سهمیه‌ای خود (۶۰ لیتر یک هزار و ۵۰۰ تومان و ۱۰۰ لیتر سه هزار تومان) نیاز خود را برآورده می‌کنند و کسانی که می‌خواهند از بنزین آزاد جایگاه استفاده کنند، باید رقم پنج هزار تومان را بپردازند.» و افزود: «از روز شنبه سهمیه خودروهای پلاک دولتی (به‌جز آمبولانس‌ها)، خودروهای وارداتی (که پلیس راهور شرکت سازنده آن را غیر از ایران اعلام کرده است) و خودروهای دارای پلاک منطقه آزاد حذف می‌شود؛ همچنین اعمال قیمت جدید یعنی پنج هزار تومان برای بنزین آزاد اجرایی خواهد شد. مصوبه دولت برای وانت‌بازها و موتورسیکلت‌ها هم مواردی را طراحی کرده است و هر آنچه از این طرح حاصل شده به صورت تمام و کمال برای خانوارهای کم‌درآمد هزینه خواهد شد.

مهاجرانی تاکید کرد: «شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی سامانه‌ای معرفی خواهد کرد تا افرادی که بیش از یک خودرو دارند، در سامانه خود اظهاری ثبت‌نام و مشخص کنند تمایل دارند کدام خودروی آنها از سهمیه بنزین رایانه‌ای استفاده کند، چرا که پس از اجرایی مصوبه، هر فرد تنها می‌تواند برای یکی از خودروهای با کد ملی خود، از بنزین رایانه‌ای بهره‌مند شود.» و افزود: «با توجه به اینکه استفاده از موتورسیکلت تا حد زیادی به معیشت مردم بازمی‌گردد، دولت اقداماتی انجام داده است و موتورسیکلت‌هایی که دارای کارت سوخت نیستند می‌توانند مسیر دریافت کارت را دنبال کنند. سهمیه این دسته از موتورسیکلت‌ها از زمان اقدام، ذخیره خواهد شد. همچنین موتورسوارانی که در سکوها ثبت‌نام کردند، بر مبنای پیمایش موتورسیکلت خود، مابه‌التفاوت قیمت را دریافت خواهند کرد. دولت همچنین برای نوسازی موتورسیکلت‌های فرسوده که امکان دریافت کارت سوخت ندارند، تسهیلاتی در نظر گرفته است تا در حالی که این مصوبه اجرا می‌شود حداقل آسیب به اقشار کم‌درآمد وارد نشود.»

▼ مادر ناترازی‌های ایران، ناترازی انرژی است

اسماعیل سقاب‌اصفهانی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان سیاست‌گذاری و مدیریت راهبردی انرژی نیز با حضور در چهارمین کنفرانس بین‌المللی بهینه‌سازی مصرف و بهره‌وری انرژی در نخستین سخنرانی رسمی خود به‌عنوان معاون رئیس جمهور گفت: «در حوزه انرژی، ما چگونه به این موضوع رسیدیم؟



دیدار در ریاض، محرمانه در نیویورک

امیر قطر دیروز درحالی به عربستان رفت

که اخباری از مذاکرات سه‌جانبه جدید دوحه با اسرائیل و آمریکا منتشر شده است

و تحت ریاست ترامپ که رسانه‌های گویند هم‌زمان با اعلام مرحله دوم آتش‌بس، تشکیل آن هم اعلام شود.

▼ تمرکز بر سلاح حماس در آستانه مرحله دوم

اما شرایط حاکم بر منازعه فلسطین در حال حاضر چگونه است؟ این سوالی است که پیچیدگی وضعیت رانشان می‌دهد و نقش قطر را مشخص می‌کند. با بنیادل اسرا و اجساد، موضوع سلاح در غزه بر جست‌تر از قبل شده است. رسانه اسرائیلی وای نت گزارش داد که هیچ چیز درباره مرحله دوم آتش‌بس غزه مشخص نیست و علت این نامشخص بودن وضعیت مرحله دوم را هم موضوع خلع سلاح حماس اعلام کرد. این رسانه عبری مدعی شد که قطر و ترکیه به دنبال راهی برای نجات حماس از موضوع خلع سلاح هستند. اخیراً رسانه‌های اسرائیلی به نقل از منابعی در کابینه رژیم تل‌آویو اعلام کردند، براساس طرح ترکیه و قطر، سلاح حماس به تشکیلات خودگردان فلسطین واگذار یا اینکه تحت نظارت بین‌المللی ذخیره می‌شود. دوحه و آنکارا، مهلت دوساله برای اجرای این طرح خواسته‌اند در حالی که اسرائیل مخالف بوده و اصرار دارد که این طرح تنها طی چندماه باید اجرایی شود. آن‌ها هشدار می‌دهند هر طرحی که بخواهد جایگزین خلع سلاح حماس شود، درواقع به حفظ نفوذ این گروه مقاومت در نوار غزه منجر می‌شود. آن‌ها مدعی هستند که باید یک طرح مستقل اسرائیلی برای خلع سلاح حماس اجرا شود و نباید به ابتکار عمل‌های بین‌المللی که نسبت به حماس نرمش و انعطافی نشان می‌دهند، اتکا کرد. موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که نتایج قرار است ۲۸ دسامبر تا یکم



عکس: SPA